



«**باندای فرمز**» اولین فیلم علی پاکتیا در مقام نویسنده و کارگردان است که در جشن مستقل فیلم کوتاه، مطرح و در چند رشته نمره دریافت جایزه شد. پاکتیا معتقد است فیلمش را در قضا و اتمسفری متفاوت و فارغ از کلیشه‌های مرسوم که عموماً به معضلات اجتماعی می‌پردازند، ساخته است. علاقه شخصی کارگردان به مسیر فرودگاه، ایده شکل‌گیری داستان بوده و قصه فیلم متمرکز بر راننده‌ای در آرزوی سفر دانمارک است که فر دی که از دانمارک بازگشته مسافر اومی شود.



«**کشتارگاه**» چهارمین فیلم سینمایی عباس امینی بعد از «والد راما»، «هندی و هرمز» و «من اینجا هستم» است که توسط خودش و حسین فرخ‌زاده به نگارش درآمده، اما با توجه به اینکه هیچ کدام از کارهای امینی در ایران اکران نشده است، او شش حضور در سودای سیمرخ لس‌آلوس را از دست داد و صرفاً در بخش نگاه نوحضور خواهد داشت.



«آن شب»؛ فیلمی که مشابه ایرانی ندارد

انوشه مر مجلسی

زندگی باشد؛ با راه‌وهایی متقطع و اتاق‌هایی با در بسته که نمادی از زندگی و خاطرات گذشته است. نوزاد نمادی از معصومیت است که در این فیلم بر اساس اعمال و تعارضات گذشته، به هیبت گریه‌ای سیاه متجلی می‌شود. علاوه بر همه موارد ذکر شده، کنش پریشی شخصیت و جا گذاشتن مدام وسایل، نشانه‌ای است از این که با قصه ظریف و روانکاوانه‌ای طرف هستیم.

۱۰ دقیقه اول فیلم همان‌طور که انتظار داریم، سراسر نشانه‌هایی است از آنچه در ادامه فیلم رخ خواهد داد؛ همان چیزی که در سینمای ایران کمتر دیده‌ایم.

فیلم «آن شب» یک سر و گردن از سینمای روانکاوانه‌ای که در ایران سراغ داریم؛ بالاتر است. تحلیل موشکافانه این فیلم کمک بسیار بزرگی به سینما خواهد کرد.

پیشنهاد می‌کنم این فیلم را حتماً در سینما ببینید.

کوروش آهاری در فیلم «آن شب» به سراغ ژانری رفته که چندان در سینمای ایران نمونه موفق و قابل دفاعی ندارد. «آن شب» رویکردی روانکاوانه دارد؛ با قصه‌ای روان، بازی‌های قلیل‌قبول و ساختاری منسجم و به شدت وفادار به ژانر.

در فیلم‌های روانکاوانه مهم‌ترین مولفه توجه به دنیای درونی و نشانه‌هایی است که ما را در سیر داستان و سفر به ضمیر ناخودآگاه شخصیت همراهی می‌کند. در «آن شب» این نشانه‌ها هوشمندانه و درست به کار رفته است. از توجه به نورهای فرمز و تونالیته زرد در محیط، میز نرسن‌های هوشمندانه، استفاده از مجسمه‌ها و قاب‌های روی دیوار تا موسیقی که در خدمت فیلم و ریتم آن است. گره‌گشایی نهایی فیلم هم با توجه به نمادها درست طراحی شده است. توجه به «خواب» و «آینه» نشانه‌ای از رویه‌رو شدن فرد با خود در ضمیر ناخودآگاه است. هتل می‌تواند نمادی از

صحبت‌های جالب نویسنده «مغز استخوان» در خصوص فیلمنامه و اتفاقاتی که برای آن رخ داده است: **پایان این فیلم باز نیست!**



نمایی از فیلم «مغز استخوان»

جلسه نشست خبری فیلم سینمایی «مغز استخوان»، اولین جلسه روز پنجشنبه بود که نکات جالب توجه زیادی داشت که بیشتر از جانب نویسنده فیلم مطرح شد. فیلمنامه این اثر به دلیل سوژه داغ و جنجالی، قصه آن و فضایی که در دل داستان تعبیه شده بود، بیشتر از دیگر بخش‌ها مورد توجه اهالی رسانه قرار گرفته بود و همین مساله باعث شد خبرنگاران حاضر در نشست، سوالاتی را مطرح کنند که علی زرنگار، نویسنده «مغز استخوان» بهترین کسی باشد که می‌توانست به این سوالات پاسخ دهد.

زرنگار در بخش‌های ابتدایی صحبت‌هایش درباره اینکه آیا سوژه «مغز استخوان» نمونه واقعی دارد یا خیر، آب پاکی را روی دست همه ریخت و بیان کرد: «سوژه این فیلم نمونه واقعی نداشته است اما به لحاظ علمی امکان این اتفاق وجود دارد. هرگز با زنی که در چنین شرایطی قرار گرفته باشد مواجه نشده‌ام.»

نکته بعدی در خصوص پایان باز این داستان بود؛ چیزی که بار دیگر زرنگار را وادار به پاسخ دادن کرد. نویسنده این فیلم در رابطه با اینکه پایان‌بندی کار از ابتدا این‌گونه بود یا خیر، از سانسور این فیلم خبر داد و گفت: «پایان فیلم دچار ممیزی شده و تماماً آن چیزی که ما می‌خواستیم نشده است. پایان این فیلم باز نیست و نمی‌دانم چرا اینطور برداشته شده است!» این بحث پایان باز حتی باعث پرسیدن یک سوال جالب هم از جانب خبرنگاران شد؛ اینکه آیا اصغر فرهادی هم در نگارش فیلم «مغز استخوان» نقشی داشته یا خیر؟ البته این بار حمیدرضا قربانی؛ کارگردان کار وارد میدان شد و در پاسخ به این سوال گفت که فرهادی به هیچ وجه در نگارش فیلمنامه این اثر نقشی نداشته و علی زرنگار این فیلمنامه را به تنهایی نوشته است.

اکران امروز؛ تحت تاثیر شهر آورد تهران **وقتی زور فوتبال چربید!**



نمایی از فیلم «کشتارگاه»

از همان روزی که سازمان لیگ برتر فوتبال بازی‌های دور برگشت را اعلام کرد، قرار گرفتن مسابقه دو تیم استقلال و پرسپولیس در اواسط بهمن، بر گزار کنندگان جشنواره فجر را با یک چالش مواجه کرد. اگر چه این اتفاق پیش از این هم افتاده بوده اما هربار این ماجرا باعث می‌شود اکران فیلم‌ها در سینمای رسته با اتفاقات ویژه‌ای همراه باشد.

امسال اما سازمان لیگ به جشنواره فجر رودمست زد و در حالی که پیش از این زمان برگزاری مسابقه را ساعت ۱۷، هفدهم بهمن ماه اعلام کرده بود، زمان برگزاری بازی را یک ساعت و نیم جلو و کشید تا بر نلمه‌ریزی‌های بر گزار کنندگان جشنواره هم دستخوش تغییر شود. در روز قرعه‌کشی فیلم‌های سینمای رسانه، یکی از سانس‌ها در میانه جدول از قبل پر شده بود؛ دومین سانس از ششمین روز جشنواره و به همین دلیل در این روز خاص، تنها دو فیلم به روی پرده می‌رفت. طبق اعلام روابط عمومی جشنواره، قرار بود که در زمان برگزاری بازی هم، مسابقه از سالن‌های سینما پخش شود، هزینه‌ای که کمک می‌کرد پردیس ملت خلی‌تر از قبل نباشد و دست‌آورد فوتبال (که در میان اهالی سینمایی رسانه کم هم نیستند) دور هم شهر آورد تهران را تماشا کنند.

«کشتارگاه»؛ قربانی فوتبال

جلیجا کر دن زمان برگزاری مسابقه فوتبال، باعث شد تا زمان آغاز آن، با انتهای بخش فیلم سانس اول سینمای رسانه یعنی «کشتارگاه» همزمان شود؛ اتفاقی که می‌توانست فیلم عباس امینی را با چالش مواجه کند و به تعداد مخاطبانش لطمه بزند. به همین دلیل مدیران جشنواره هم تصمیم گرفتند که اکران فیلم «کشتارگاه» را سی دقیقه زودتر از چیزی که پیش از این اعلام شده بود آغاز کنند، تا به قول قدیمی‌ها نه سیخ بسوزد و نه کباب. البته این وسط شاید بیشتر از همه، سانس‌های سوم و چهارم امروز ضرر کنند، چون ممکن است به دلیل فاصله دو ساعته بعد از تماشای بازی تا آغاز فیلم، به زعم خیلی از اهالی رسانه زمان زیادی برای صبر کردن باشد، یا حتی اینکه بازی با نتیجه‌ای عجیب به پایان برسد و طرفداران تیم بازنده، دیگر دل و دماغ تماشای فیلم نداشته باشند. کسی این مسئله را نمی‌داند ولی چیزی که مشخص است، حداقل به خاطر پخش بازی از سلن‌های پردیس ملت می‌توان گفت زور فوتبال به سینما چربید!



SEPANTA
پیتا
۸۴۲۱۰

پهنای باند داریم تا بانند
پهنای باند اینترنت سپتا